

تثلیث، همچنان در هاله‌ای از مشکلات و ابهامات غیر قابل حل، باقی مانده است. گویا مسیحیت بر ستونی لرزان استوار شده که در طول تاریخ با قدرت حاکمان و تهدید قرون وسطایی پاپها و جهالت عمدی اُسقفان، سرپا نگه داشته شده است. در نتیجه باید گفت: حقیقت آن است که تثلیث نه اعتقادی مسیحی، بلکه آموزه‌ای شرک‌آلود بوده که ریشه در باورهای خرافی بت‌پرستان رومی دارد که بررسی ریشه‌های آن در آیینهای باستان، مجال دیگری می‌طلبد.



نقد تثلیث

«تثلیث با زور شمشیر»

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب
www.adyannet.com

تثلیث با زور شمشیر

تثلیث، اولین اصل اعتقادی مسیحیان و شرط ورود به کلیسا است. تاریخ گواهی می‌دهد که تعداد زیادی از مسیحیان جان خود را در مخ الفت با آن از دست داده‌اند. اصلی مهم که نه به توصیه و سفارش عیسی مسیح (علیه السلام)، بلکه با دخالت امپراطورهای روم و با توسل به شکنجه و تبعید مخالفان به تصویب رسیده است.

حقیقت آن است که تا قبل از قرن چهارم میلادی، عقیده تثلیث در مسیحیت وجود نداشت. در قرن چهارم میلادی، اولین مناقشه شدید بر سر مخلوق بودن عیسی (علیه السلام) در گرفت و یک امپراطور، بدون داشتن هیچ سابقه مسیحی، در تصویب [و تشریح] یک موضوع مهم دینی دخالت کرده و الوهیت عیسی را با زور شمشیر ثابت نمود.

داستان نیکیه

داستان از این قرار بود که در قرن چهارم میلادی «آریوس [آرین]» اُسقف لیبی با اُسقف شهر اسکندریه (الکساندر) بر سر «ازلیت و مخلوقیت عیسی (علیه السلام)» اختلاف نظر پیدا کردند. آریوس، عیسی را ازلی نمی‌دانست؛ بلکه

او را کلمه حق و مخلوق خدا می‌دانست که از نیست به هست آمده است. این نزاع بالا گرفت و از اسکندریه به سایر کلیساها راه یافت. کنستانتین، امپراطور روم برای جلوگیری از اختلاف در جامعه تحت فرمانروایی‌اش، دستور تشکیل شورای را در سال ۳۲۵ میلادی در شهر نیکیه صادر کرد. ۳۰۰ نفر از اُسقفهای بلاد مختلف تحت حاکمیت روم، در این شورا با رهبری کنستانتین شرکت کردند. آریوس با نماینده الکساندر یعنی «آتاناسیوس» به گفتگو و مناظره پرداخته و در نهایت با دخالت کنستانتین، اعتقاد نامه نیکیه در محکومیت آریوس و تأیید الکساندر تدوین شد.

متن اعتقادنامه چنین بود: «ما ایمان داریم به خدای واحد، پدر قادر مطلق، خالق همه چیزهای مرئی و نامرئی و به خداوند واحد، عیسای مسیح پسر خدا که از پدر بیرون آمده، فرزند یگانه و مولود از او که از ذات پدر است ... همچنین به روح القدس ایمان داریم.» (۱)
بدین ترتیب بر الوهیت و ازلیت عیسی (علیه السلام) مهر تأیید زده شد.

نقش امپراطوران رم در ایجاد تثلیث

رهبر شورای نیکیه کیست؟ او کنستانتین فرزند نامشروع یک فرمانده نظامی رومی و یک زن مسیحی به نام «هلنا» بود. (۲) مورخان بسیاری بر این باورند که او تا

۱. تاریخ جامع ادیان، جان بایر ناس، ص ۶۳۴.
۲. سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، آر. ال. کرنز، ص ۱۳۶.



اواخر زندگی خود، مسیحی نشد و در بستر مرگ غسل تعمید گرفت. این تغییر کیش در پایان عمر نیز صورتی بود. «هنری چدویک» در کتاب کلیسای نوپا می‌گوید: «کنستانتین، مانند پدر خویش، خورشید شکست‌ناپذیر را می‌پرستید؛... تغییر کیش او نباید به‌عنوان مشاهده‌درونی فیض تلقی گردد... این تغییر کیش فقط یک امر نظامی بود. درک او از اعتقادات مسیحی به هیچ وجه کامل نبود، لیکن او اطمینان داشت که پیروزی در نبرد، در گرو بخشش خدای مسیحیان است.»^(۳)

حال نقش امپراتور خورشیدپرست که هنوز غسل تعمید نگرفته، در شورای نیکیه چه بود؟

دایرة المعارف بریتانیکا چنین نقل می‌کند: «کنستانتین خود سرپرستی شورا را به عهده گرفت. به طور فعالانه گفتگوها را هدایت کرد و شخصاً... اصل حساس اعتقادنامه‌ای را که توسط شورا به تصویب رسید و ارتباط مسیح با خدا را [این که او ذات پدر است،] مشخص می‌کرد، پیشنهاد نمود... همهٔ اُسقفان - به استثنای دو نفر - از ترس امپراتور، اعتقادنامه را امضا کردند. بسیاری از آنان برخلاف میل خود این کار را کردند.»^(۴)

چرا ریاست شورای اُسقفان را، کسی باید برعهده بگیرد که نه تنها یک عالم مسیحی نبوده، بلکه حتی مسیحی نیز به حساب نمی‌آمد؟ چرا کسی او را از دخالت در این

۳. کلیسای نوپا (اولیه)، هنری چدویک، ص ۱۲۲.

۴. دایرة المعارف بریتانیکا ۱۹۷۱م، ج ۶، ص ۲۸۶، مدخل کنستانتین.

امر مهم اعتقادی مسیحیت، یعنی مناقشه بر سر الوهیت عیسی منع نکرد؟

اختلاف دربارهٔ تثلیث

هرچند آریوس توانست نظر کنستانتین را بعد از شورا برگردانده و از تبعید رهایی یابد؛ اما درگیری میان طرفداران آریوس و آتاناسیوس همچنان ادامه یافت تا آنجا که ویل دورانت می‌نویسد: «مسیحیانی که در طول دو سال یعنی سالهای ۳۴۲ تا ۳۴۳ میلادی کشته شده و مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند، بیش‌تر از تعداد مسیحیانی بود که توسط مشرکان رومی، کشته شده و یا مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند.»^(۵) این واقعه از عمق اختلاف و عدم اعتقاد بسیاری از مسیحیان به تثلیث، حکایت دارد.

تصویب نهایی تثلیث با سرنیزه امپراتور

پس از شورای نیکیه، دربارهٔ الوهیت مسیح و رابطهٔ اقا نیم با یکدیگر، مناظره و بحث، سالها ادامه یافت. این اختلاف، به ظاهر با مرگ ناگهانی و مشکوک آریوس و همراهی امپراتور «تئودوسیوس» با جناح مخالف آریوسی پایان یافت. آریوس بدعت گذار معرفی شده و کتابهای او و هم‌فکرانش سوزانده و دارندگان آن به اعدام محکوم شدند.

اما ضلع سوم تثلیث یعنی «روح القدس» چگونه به

۵. تاریخ ویل دورانت، ویل دورانت، عصر ایمان، ج ۴، ص ۱۷۱۸.

وجود آمد؟ شورای قسطنطنیه در سال ۳۸۱م با حضور «تئودوسیوس» امپراتور رُم تشکیل گردید.^(۶) اعضای این شورا موافقت کردند که روح القدس را، هم‌تراز با خدا و مسیح قرار دهند. «چارلز فریمن» مورخ انگلیسی، در کتاب تاریخ خود دربارهٔ این شورا می‌نویسد: «این مهم است که به خاطر داشته باشیم که تئودوسیوس بدون هیچ پیش‌زمینهٔ مذهبی و الاهیاتی، فرمولی حاوی مشکلات متعدّد فلسفی غیر قابل حل را - که او از آنها بی‌خبر بود - به عنوان عقیدهٔ دینی تصویب کرد. در حقیقت فرمان امپراتور بحثی را که هنوز حل نشده بود، مسکوت گذاشت.»^(۷) از این تاریخ به بعد تثلیث به عنوان اساسی‌ترین عقیدهٔ دینی و اصلی لایتغیر در جهان مسیحیت، به طور دائم، مورد تأکید کلیسا بوده است.

پس چرا تثلیث؟

با توجه به این وقایع و اختلاف نظرهای خون‌بار آباء و اجداد کلیسا [بزرگان مسیحیت] درباره تثلیث، چگونه می‌توان گفت که اعتقاد به تثلیث برخاسته از کتاب مقدس مسیحیان و اصلی خدشه‌ناپذیر است؟ آیا می‌توان حضور موحدان مسیحی ایونی^(۸) تا اواخر قرن چهارم را نادیده گرفت؟

«والتر باوئر» دربارهٔ تحمیل عقیدهٔ رایج مسیحی تحت

۶. تاریخ تفکر مسیحی، تونی لین، ص ۶۵.

۷. تاریخ فریمن، چارلز فریمن، ص ۱۰۳.

۸. مسیحیت شناسی مقایسه‌ای، محمد رضا زبیلی نژاد، ص ۳۳۵.

عنوان راست‌کیشی بر جامعهٔ مسیحیت می‌گوید^(۹): «راست‌کیشی پیامد قدرت روز افزون رُم بود که به شکل روز افزون دیدگاه‌های خود را بر دیگران تحمیل می‌کرد.»^(۱۰)

اعتقاد به خدای یگانه و دارای ذاتی واحد، هنوز هم در میان برخی از مسیحیان رایج است. به عنوان نمونه می‌توان تأسیس کلیسای ضد تثلیث در لهستان در سال ۱۵۵۶م، که اکنون نیز در انگلستان، آمریکا و رومانی پیروانی دارد؛^(۱۱) را نام برد و همچنین شاهدان یهوه که در قرن هیجدهم ایجاد شده، از جمله فرقه‌های بزرگ و فعال مسیحی مخالف تثلیث هستند که اکنون نیز فعال می‌باشند.

نتیجه آنکه تثلیث نه تنها یک عقیدهٔ صریح در کتاب مقدس و یا قرون اولیه نبوده، بلکه تا امروز نیز مسیحیان نسبت به آن اختلافهای اعتقادی عمیقی دارند. دایرة المعارف کاتولیک که در بین کلیسا رسمیت دارد، در همین راستا اعتراف می‌کند که تثلیث بین مسیحیان ابتدائی شناخته شده نبوده و این عقیده در ربع آخر قرن چهارم میلادی شکل گرفته است. در این دایرة‌المعارف آمده: «خیلی مشکل است که ما در نیمهٔ دوم قرن بیستم بخواهیم تفسیر روشن و موضوعی دربارهٔ ریشهٔ تثلیث مقدس و سیر شکل‌گیری مذهبی آن و تفسیرات

۹. محقق آلمانی، الهی دان و فرهنگ نویس معروف عهد جدید یونانی.

۱۰. الهیات مسیحی، مک گراث، بخش اول، ص ۲۳۷.

۱۱. الهیات مسیحی، همان، ص ۳۳۶.